

پارانویای برنامه‌ریزی شده

نویسنده: اوون هاترلی^۱

مترجم: پارسا شامحمدی

تمام پانوشتهایی که با م. مشخص شده‌اند از مترجم‌اند.



نمونه ای از تصاویر پاریس دوران ناپلئون سوم.

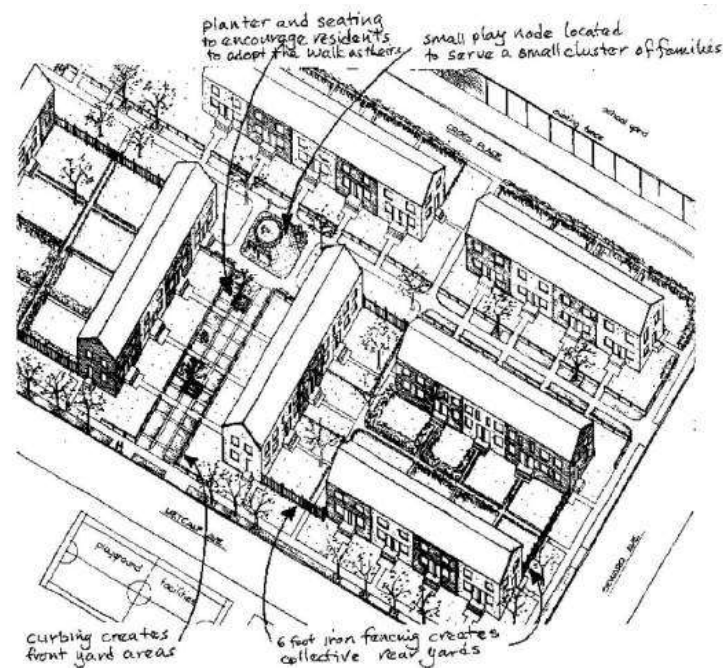
مقدمه مترجم

بسیاری از اوقات ما انسان‌ها در مقابل ساختمان‌های بلند و مرتفع احساس حقارت می‌کنیم یا در فضاهای شهری احساس ترس و آسیب‌پذیری داریم. احساس غریبه و بیگانه بودن، کم احترامی یا مواجه شدن با خشونت فیزیکی یا خشونت کلامی سبب می‌شود تا انسان‌ها به طرق مختلف در واکنش به محیط پیرامون خود دچار احساس ضعف شوند [۱].

زندگی در محیط‌های متراکم و شلوغ شهرهای مدرن، منجر به ایجاد پریشانی و مشکلات سلامت روان شده است. به عنوان مثال روان‌پزشکان بیماری‌هایی همچون ضعف اعصاب، هیستری و ترس از مکان‌های بسته را ناشی از زندگی در شهری می‌دانند که تنش‌ها و فشارهای وصف‌ناپذیری را در افراد ایجاد می‌کند [۲]. دلیل این امر آن است که یک

محیط، علاوه بر شکل فیزیکی‌اش، بر اساس تأثیرات روانی‌اش نیز تعریف می‌شود. در دهه‌های اخیر، شاهد رشد فراوانی در تعداد ساختمان‌ها بوده‌ایم که این پدیده به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های توسعه شهری در قرن بیست و یکم تبدیل شده است. از آنجا که این ساختمان‌ها به عنوان عناصر مهم شهری محسوب می‌شوند، افزایش تعداد و فرم متمایز آن‌ها تأثیرات متعددی بر شهروندان، محیط شهری و مناظر شهری دارد [۳].

دفاع از شهرها همواره جزء لاینفکی از برنامه قدرت‌ها برای ایمن‌سازی شهرها بوده است. در قرن نوزدهم قانون‌گذاران تصمیم گرفتند تا از شهرها در برابر اکثریت مردم درون آن نیز محافظت کنند. از دهه ۱۹۶۰ جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان دریافتند که در برخی مکان‌ها امکان وقوع جرایم بیشتر است [۴]. از آنجا که ویژگی‌های جمعیتی محله‌ها توضیح کافی‌ای برای این موضوع ارائه نمی‌دادند به تدریج جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان به بررسی محیط ساخته شده برای توضیح آن روی آوردند.



نمونه‌ای از طراحی‌های فضای قابل دفاع.

چارچوب نظری غالب که برای توضیح نقش طراحی و چیدمان محیطی در ایجاد فرصت‌های جرم ارائه شده، نظریه "فضای قابل دفاع" اسکار نیومن (۱۹۷۲) است. مفهوم فضای قابل دفاع نیومن به روش سیستماتیکی اشاره دارد که از طریق آن طراحی فیزیکی محیط‌های مسکونی شهری می‌تواند به گونه‌ای تغییر یابد که فضاها یا مکان‌هایی با آسیب‌پذیری کمتر در برابر جرم ایجاد کند. این امر با فراهم کردن فرصت‌های بیشتر برای ساکنان به منظور کنترل فضای خود و دفاع از آن در صورت لزوم محقق می‌شود [۴].



نمونه‌ای از محله‌های حومه لندن

یکی از برنامه‌هایی که تحت تاثیر این ایده نیومن ایجاد شد «ایمن‌سازی از طریق طراحی» بود. برنامه ایمن‌سازی از طریق طراحی توسط سازمان ابتکارات کاهش جرم افسران ارشد پلیس^۲ (ACPO CPI) مدیریت شده و اجرای روزمره آن توسط افسران رابط معماری^۳ (ALOs) یا مشاوران طراحی پیشگیری از جرم^۴ (CPDAs) که در نیروهای پلیس مختلف در سراسر بریتانیا فعالیت می‌کنند، انجام می‌شد. در یکی از پژوهش‌های صورت گرفته تحلیل داده‌های جرایم ثبت‌شده توسط پلیس تفاوت آماری معناداری بین پروژه‌های «ایمن‌سازی از طریق طراحی» و غیر آن نشان نداد[۵].

در واقع نتایج نشان می‌دهد که اجرای این برنامه‌ها تفاوتی در رابطه با میزان جرایم ایجاد نمی‌کند بلکه تنها ترس از جرم را در شهروندان ایجاد کرده و محیط شهری را به محیط‌هایی غم‌افزا تبدیل کرده است. فی الواقع معماری و شهرسازی به مثابه ابزارهای قدرت مورد استفاده قرار گرفتند تا شهروندان را سرکوب و نوعی از احساس ترس نسبت به بیگانگان را در آنها به وجود بیاورند.

پارنویای برنامه‌ریزی شده

دلیل اینکه چرا توسعه‌های مسکن شهری و قطعه‌بندی حومه شهر ممکن است برای افراد بیگانه تهدیدآمیز و غیردوستانه به نظر برسند این است که آنها به‌طور عمدی این‌گونه طراحی شده‌اند تا از طریق «برنامه‌ای برای حذف یا کاهش جرم»^۵ از وقوع جرایم جلوگیری شود.

دفاع همواره بخشی تعبیه شده در شهرها بوده است. از پکن تا لیسبون، شهرها در سراسر تاریخی با قلعه‌ها تقویت شده و با دیوارهای سنگی حفاظتی و برجک‌دار احاطه می‌شدند تا آنها را در برابر نیروهای متخاصم خارجی ایمن سازند. اما تنها در قرن نوزدهم بود که قانون‌گذاران آنها تصمیم گرفتند تا از شهرها در برابر اکثریت مردم درون آنها نیز محافظت کنند.

در پاریس دوران ناپلئون سوم، این یک راز آشکار بود که تلاش‌های زیباسازی شهر تحت نظر برنامه‌ریز آن، بارون هوسمان^۶، بر اساس نیاز گاه‌به‌گاه به شلیک به کارگران معترض بنا نهاده شده بود. بلوارهای عریض، که به قصد بازداشتن از ایجاد سنگرها و ایجاد مناطقی باز برای تیراندازی طراحی شده بودند، به طور فراوانی در سرکوب کمون پاریس مورد استفاده قرار گرفتند و الهام‌بخش برنامه‌ریزان شهری اقتدارگرا از دهلی نو تا مسکو شدند. با این حال، در دهه ۱۹۷۰، نوآوری بدیعی در برنامه‌ریزی ظاهر شد که مدعی بود هدفش حفاظت از شهرنشینان در برابر دشمنی جدید است — یعنی خودشان.

بین دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، افزایش شدیدی در جرایم خرد و خشونت‌آمیز رخ داد، که این اتفاق با ساخت گسترده مسکن عمومی جدید مصادف شد. از آنجا که بخش عمده‌ای از این جرایم برای افراد فقیر در مکان‌هایی که فقرا زندگی می‌کردند اتفاق افتاد، ارتباطی میان طراحی این توسعه‌های مسکن جدید و سطح جرایم برقرار شد. جین جیکوبز^۷ معتقد بود که جرایم در برخی مناطق از طریق نظارت طبیعی ایجاد شده توسط «چشمان ناظر بر خیابان» پایین نگه داشته شده و طرح ریزی‌های باز و بزرگ و جادار مسکن عمومی جدید این نوع نظارت را بازمی‌دارند.

این ایده به تدریج در سیاست اجرایی پذیرفته شد. چهره اصلی‌ای که مسئولیت تحقق این ایده را بر عهده داشت، برنامه‌ریز اسکار نیومن^۸ بود، که نظریه «فضای قابل دفاع»^۹ او با استفاده از تمثیل‌هایی از جهان طبیعی و ترکیب آنها با

مشاهداتی از پروژه‌های سازمان مسکن نیویورک^{۱۰} شکل گرفت. او استدلال می‌کرد که فضاهاى عمومی، که به لحاظ نظری متعلق به همه هستند، همواره می‌توانند به‌مثابه فضاهاىی که مایملک هیچکس نیستند تفسیر شوند و از این روی، مجرمان از این مناطق فی‌نفسه بدون نظارت و غیرقابل نظارت سوءاستفاده خواهند کرد.



نمونه‌ای از محاه‌های ساخته شده بر اساس فضای قابل دفاع.

نیومن خواهان تفکیک مناطق عمومی بزرگ و سبز به بخش‌های کوچکتری در توسعه مسکن‌های جدید بود تا افراد یا گروه‌های کوچکی از مردم بتوانند «مالکیت» این فضاها را به عهده بگیرند. به‌طور نظری، هر پروژه مسکن باید به مجموعه‌ای از قلعه‌ها تبدیل شود، جایی که ساکنان از موضع کوچک خود در برابر افراد شرور محافظت کنند.

از دهه ۱۹۹۰ به بعد، میزان جرم تقلیل یافت، اما توضیح غالب درباره علت این کاهش تغییری نکرد. در واقع، نظریه «فضای قابل دفاع» تبدیل به قانون شده بود. در ایالات متحده، برنامه‌ای تحت عنوان «پیشگیری از جرم از طریق طراحی

محیطی^{۱۱} (CPTED) و در بریتانیا، برنامه‌ای به نام «ایمن‌سازی از طریق طراحی»^{۱۲} وجود داشت که به طور مشخص پلیس را در چیدمان مجتمع‌های مسکونی دخیل می‌کرد.

نسخه بریتانیایی این برنامه، در کشوری که حتی حومه‌های بیرونی شهر نیز فاقد فضای کافی هستند، به‌طور قابل ملاحظه‌ای شوم و سختگیرانه بود. همتای نیومن در بریتانیا، جغرافیادانی به نام آلیس کلمن^{۱۳} بود که واحد او در مدرسه اقتصاد لندن تعداد حصارها و پنجره‌های شکسته را در مجتمع‌های مسکونی سراسر کشور شمارش می‌کرد. با این حال، استفاده عمده از نظریه‌های نیومن در واقع در مستعمره سابق بریتانیا، ایرلند شمالی، صورت گرفت.



نمونه‌ای از حصارکشی‌ها در فضای خالی در حومه شهرهای انگلستان.

آغاز درگیری‌های ایرلند شمالی در دهه ۱۹۶۰ منجر به تجزیه خشونت‌آمیز مناطق مختلط در شهرهای شش استان شد. سازمان مسکن عمومی ایرلند شمالی بر پایه این تحولات شکل گرفت تا مناطقی مانند جاده شانکیل^{۱۴} و جاده فالز^{۱۵} در غرب بلفاست را بازطراحی کند. بازطراحی این مناطق به گونه‌ای بود که آن‌ها را به گروه‌هایی از خیابان‌های

بن‌بستِ محصور تبدیل کرد، به طوری که هر گروه از خیابانها متعلق به جماعتی بود و با «دیوار صلح» از هم جدا می‌شدند. این خانه‌های آجری کوچک با طراحی‌های درون‌گرا و محصور، که توسط دیوارهای بلند آجری از سمت دیگر و از عبور و مرور محافظت می‌شدند، شباهت زیادی به مجتمع‌های مسکونی جدید و استاندارد در حومه شهرهای انگلیس داشتند. در این فرآیند، آنها آشکار ساختند که این نوع طراحی در واقع انتقال برنامه‌ریزی نظامی به محیط مسکونی است. اما در حالی که در بلفاست عیان بود که این خانه‌ها در برابر چه کسانی محافظت می‌شوند، در دیگر مناطق این امر کمتر مشخص بود.

پس از حدود یک دهه اجرای برنامه «ایمن‌سازی از طریق طراحی» در بریتانیا، آنا میتون^{۱۶}، نویسنده، نتایج آن را در کتاب خود با عنوان کنترل زمین: ترس و خوشبختی در شهر قرن بیست و یکمی^{۱۷} (۲۰۰۹) بررسی کرد. او در لندن و منچستر مسکن‌های جدیدی را یافت که خشک و غم‌افزا بودند و به طور فعال زندگی خیابانی ساده و حوادث خوشایندی را که جین جیکوبز آن‌ها را توام با «چشمان ناظر بر خیابان» می‌دانست، باز می‌داشتند. در عوض، چشمان بر تنها نقطه ورود این مسکن‌های جدید متمرکز شده بودند و هر بازدیدکننده ناآشنا را به تهدیدی احتمالی تبدیل می‌کردند، به ویژه اگر مشخصات نژادی یا طبقاتی آن‌ها با ساکنان این مجتمع‌ها همخوانی نداشت. علاوه بر این، استفاده همه‌گیر از حصارهای بلند و اغلب با نوک‌های تیز، که خط مرزی بین «مسکن‌های ارزان‌قیمت» و مسکن با قیمت بازار در توسعه‌های جدید را مشخص می‌کند، و همچنین دوربین‌های مداربسته (CCTV) که پس از چین، بریتانیا را به دومین کشور با بیشترین نظارت در جهان تبدیل کرده است، به چشم می‌خورند.

تأثیر همه این اقدامات چه بوده است؟ در دوره نیولبر^{۱۸}، زمانی که برنامه‌های «ایمن‌سازی از طریق طراحی» و «دوربین‌های مداربسته (CCTV)» به طور گسترده عرضه شدند، کاهش جرایم خرد و خشونت‌آمیز به شدت ادامه یافت و در طی اواخر دهه ۱۹۹۰ و دهه ۲۰۰۰ هر ساله این جرایم کاهش یافتند. این کاهش به ویژه در مکان‌هایی چشمگیر بود که با دستورالعمل‌های «ایمن‌سازی از طریق طراحی» در تضاد بودند، نظیر خیابان‌های شبکه‌ای طراحی شده در قرن نوزدهم و مجتمع‌های مسکونی دهه ۱۹۶۰.



نمونه‌هایی از محله‌های انگلستان که بر اساس برنامه «ایمن‌سازی از طریق طراحی» تغییراتی کردند.

با این حال، در طول این دوره، ترس از جرم با سرعتی مشابه کاهش جرایم واقعی افزایش یافت. برخی توضیحات برای این موضوع را می‌توان البته در داستان‌های ترسناکی یافت که توسط مطبوعات تحریک‌آمیز راست‌گرا منتشر می‌شد. اما مینتون^{۱۹} استدلال کرد که طراحی و برنامه‌ریزی شهری نیز نقش قابل توجهی در این مسئله داشتند.

برنامه‌ریزان «فضای قابل دفاع» پیروز شده بودند؛ بسیاری از مردم بلاشک به گونه‌ای رفتار می‌کردند که گویی مناطقی که در آن ساکن هستند در معرض تهدید مداوم از سوی بیگانگان خشن است، حتی زمانی که این تهدید در واقعیت تقریباً به کلی از بین رفته بود. آنها برای هر کس، دژی از آن خود ساختند.



نمونه‌ای از تغییراتی که طی برنامه «ایمن‌سازی از طریق طراحی» بر خانه‌ها اعمال شده است.



نمونه‌ای از شهرک‌های مسکونی ساخته شده با برنامه «ایمن‌سازی از طریق طراحی».

یادداشت‌های مترجم

design out-۱

OWEN HATHERLEY-۲

Association of Chief Police Officers Crime Reduction Initiatives -۳

Architectural Liaison Officers -۴

Prevention Design Advisors Crime -۵

Haussmann Baron -۶

Jane Jacobs -۷

Oscar Newman -۸

defensible space -۹

New York City Housing Authority -۱۰

Crime Prevention Through Environmental Design -۱۱

Secured by Design -۱۲

Alice Coleman -۱۳

Shankill Road -۱۴

Falls Road -۱۵

Anna Minton -۱۶

Ground Control: Fear and Happiness in the Twenty-First-Century City -۱۷

New Labour-۱۸: فلسفه‌ای سیاسی است که از اواسط دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ تحت رهبری تونی بلر و گوردون براون

بر حزب کارگر بریتانیا غالب بود. م.

منابع

[۱] جارویس، هلن، کانتور، پاولا، کلارک، جاناتان. (۱۳۹۷). شهر و جنسیت. ترجمه محمود شارع‌پور. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

[۲] هوبارد، فیل. (۱۳۹۹). شهر. ترجمه افشین خاکباز. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

[۳] Zarghami, Esmail, Karimimoshaver, Mehrdad, Ghanbaran, Abdulhamid,

SaadatiVaghar, Pooria. (۲۰۱۹). Assessing the oppressive impact of the form of tall buildings on citizens: Height, width, and height-to-width ratio. *Environmental Impact Assessment Review*. ۷۹. ۱۰, ۱۰۱۶/j.eiar.۲۰۱۹, ۱۰۶۲۸۷.

Reynald, D. M., & Elffers, H. (۲۰۰۹). The Future of Newman's Defensible Space [۴] Theory: Linking Defensible Space and the Routine Activities of Place. *European Journal of Criminology*, ۶(۱), ۲۵-۴۶. <https://doi.org/10.1177/1477370808098103>

Armitage, R., & Monchuk, L. (۲۰۱۱). Sustaining the crime reduction impact of [۵] designing out crime: Re-evaluating the Secured by Design scheme ۱۰ years on. *Security Journal*, 24(۴), ۳۲۰-۳۴۳. <https://doi.org/10.1057/sj.2010.1>